

Expectations of upstream documents from the higher education system

Mehdi. Alipour Hafezi^{1*} 

¹ Associate Professor, Faculty member, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Psychology and Educational Science, Allameh Tabatabaiee' University, Tehran, Iran

* Corresponding author email address: meh.hafezi@gmail.com

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Alipour Hafezi, M. (2024). Expectations of upstream documents from the higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 30(2), 1-15.



© 2024 the authors. Published by Institute for Research and Planning in Higher Education (IRPHE), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

ABSTRACT

The main goal of this research is to identify the expectations of the higher education system of Iran from universities and research institutes. In line with the main goal research, an attempt has been made to analyze the upstream documents of Iran's higher education system and extract the expectations from the higher education system in order to provide suggestions for the governing institutions as well as universities and institutions of higher education. The present study was conducted qualitatively and with the method of document study using thematic analysis method. Two filtering stages were performed by two experts simultaneously and the results were compared in the next step, and finally 391 axes were extracted from these documents and clustered into eight categories. The study group of the current research was formed in the study section of upstream documents of the Iran's higher education system. The findings of research showed that the main axes of the concepts mentioned in the upstream documents can be clustered in the eight main axes of infrastructure, research, education, policy, scientific participation, communication with industry and commercialization. Meanwhile, the axis of education, which is the main function of most universities and institutions of higher education, ranks fourth in terms of the attention of upstream documents. Also, the fields related to the activities of the universities in the third and fourth generations, placed in the least amount of attention. On the other hand, the upstream documents, whose main focus should be universities and higher education institutions, include less than 20% of statements extracted from upstream documents. The results obtained from the study of upstream documents in the current research showed that the documents emphasize the axes of infrastructure, research, cultural and social, education, policy, scientific participation, connection with industry and commercialization, and in the meantime, infrastructure criteria, Cultural and social, research and education, respectively, have the most focus in the upstream documents of the higher education system. Upstream documents have diverse expectations from Higher Education systems. In some cases they are in far distance from Higher education systems' role in international scale.

Keywords: Upstream documents, Iran, Universities and research institutes, Higher education system.



تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۴۰۲

پذیرفته شده در تاریخ ۰۴ دی ۱۴۰۲

منتشر شده در تاریخ ۱ تیر ۱۴۰۳

فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی

دوره ۳۰، شماره ۲، صفحه ۱۵-۱



شاپای الکترونیکی: ۲۲۰۱-۲۷۱۷

انتظارات اسناد بالادستی از نظام آموزش عالی کشور*

مهدی علیپور حافظی^۱

۱. دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*ایمیل نویسنده مسئول: meh.hafezi@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

علیپور حافظی، مهدی. (۱۴۰۳). انتظارات اسناد بالادستی از نظام آموزش عالی کشور. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۰(۲)، ۱-۱۵.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی انتظارات اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی است. در راستای وصول به هدف اصلی در این پژوهش، تلاش شد تا با تحلیل اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور و استخراج انتظارات از نظام آموزش عالی نسبت به ارائه پیشنهادهایی برای نهادهای حاکمیتی و نیز دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی اقدام شود. مطالعه حاضر از نوع کیفی و با روش مطالعه سندی با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. دو مرحله فیلترگذاری توسط دو متخصص به صورت هم‌زمان و مقایسه نتایج با یکدیگر در گام بعدی تمام شد و در نهایت تعداد ۳۹۱ محور از این اسناد استخراج شد و در هشت دسته خوشه‌بندی شدند. جامعه مطالعاتی پژوهش حاضر را اسناد بالادستی (۱۲ سند) نظام آموزش عالی کشور تشکیل دادند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که محورهای اصلی مفاهیم ذکر شده در اسناد بالادستی قابل خوشه‌بندی در هشت محور اصلی زیرساخت، پژوهش، فرهنگی-اجتماعی، آموزش، سیاست، مشارکت علمی، ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی هستند. در این میان محور آموزش که به‌عنوان کارکرد اصلی اکثر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی است، از منظر توجه اسناد بالادستی در رتبه چهارم قرار دارد. همچنین حوزه‌های مرتبط با فعالیت‌های دانشگاه‌ها در نسل‌های سوم و چهارم، شاهد کمترین میزان توجه در این اسناد هستند. از طرفی نیز اسناد بالادستی که محور اصلی توجه‌شان باید دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی باشد، کمتر از ۲۰ درصد گزاره‌های استخراج شده از اسناد بالادستی را شامل می‌شوند. نتایج حاصل شده از مطالعه اسناد بالادستی در پژوهش حاضر نشان داد که اسناد بر محورهای، زیرساخت، پژوهش، فرهنگی و اجتماعی، آموزش، سیاست، مشارکت علمی، ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی و تأکید دارند و در این بین، معیارهای زیرساخت، فرهنگی و اجتماعی، پژوهش و آموزش، به ترتیب بیشترین تمرکز را در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌گان: دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، اسناد بالادستی، نظام آموزش عالی، ایران.

* مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "ارزیابی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی عالی کشور"، برای مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در سال ۱۴۰۱ است.



مقدمه

دانشگاه‌ها با هدف آموزش و پژوهش در سراسر جهان شکل گرفته‌اند. بنابراین دارای خروجی‌های و اثرگذاری‌های متعددی در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. همچنین دانشگاه‌ها یکی از ارکان توسعه کشورها هستند و همواره حاکمان به دنبال رشد و ارتقای دانشگاه‌ها در کشورهای خود هستند. از طرفی نیز دانشگاه‌ها برای نیل به اهداف عالی خود همواره نیازمند ارزیابی و کنترل هستند. از این رو، همواره دانشگاه‌ها به دنبال ارزیابی فعالیت‌های خود هستند تا بتوانند در ریل موفقیت، رشد و توسعه فعالیت‌های خود با سرعت مناسبی باشند.

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در حقیقت نهادهایی هستند که زمینه‌های ظهور سیاست‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها را فراهم می‌کنند (Zare' Banadkouki et al., 2017). همچنین آموزش باکیفیت^۱ یکی از اهداف هفده‌گانه سازمان ملل در توسعه پایدار است (Nation, 2019). علاوه بر این تولید، توسعه و نهادینه‌سازی دانش در جامعه توسط مراکز آموزش عالی انجام می‌گیرد. همین مسائل باعث می‌شوند تا نوعی رقابت، برند شدن و بین دانشگاه‌های مختلف در سطح کشورها و نیز در سطح بین‌الملل شکل گیرد. از این رو، تلاش دانشگاه‌ها در جهت اشتغال در همین بستر معنی و مفهوم عملی به خود می‌گیرد و دانشگاه‌ها تلاش دارند تا در رقابتی شدید بین سایر مراکز بر سر جذب دانشجو، استاد، منابع مالی و غیرمالی، حمایت‌های اجتماعی و غیره برنده باشند.

دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در عین حالی که در راستای نیازهای بومی و داخل کشور فعالیت می‌کنند، مأموریتی در حرکت در لبه دانش و توسعه علم در سطح کلان (بین‌المللی) نیز دارند. از این رو، این مراکز علاوه بر رقابت در داخل کشور، لاجرم، در رقابتی بین‌المللی نیز حضور می‌یابند.

از منظر داخلی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی به‌طور عمومی مأموریت‌گرا هستند و در تلاش هستند تا در جهت منویات جامعه و نظام حاکم حرکت کنند. علاوه بر این، در سطح بین‌الملل نیز تلاش می‌کنند همگام با سایر مراکز علمی جهان حرکت کرده و فعالیت‌های اثرگذار بین‌المللی داشته باشند. از این رو، در جذب دانشجویان، استادان و کارکنان توانمند، بودجه و امکانات می‌توانند مؤثرتر عمل کنند. در این راستا دو رویکرد در سنجش فعالیت مؤسسه‌های آموزش عالی شکل گرفته است. نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در سطوح ملی و بین‌المللی یکی از این رویکردها است که در راستای سنجش وضعیت و رتبه‌بندی مؤسسه‌های آموزش عالی ایجاد شده‌اند. نظام‌های اعتبارسنجی^۲ که در راستای سنجش میزان کیفیت فعالیت‌های مؤسسه‌های آموزش عالی با استفاده از استاندارد کیفی اقدام می‌کنند (Accreditation, 2022)، رویکرد دوم در این زمینه است. عموماً در اعتبارسنجی، معیارهای کیفی مبتنی بر منویات جامعه و نظام حاکمیت که در قالب اسناد بالادستی نظام آموزش عالی مطرح می‌شوند، مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرند.

اسناد بالادستی در عمل نشان‌دهنده انتظارات حاکمیت و جامعه از نظام آموزش عالی در هر کشوری است. تنوع بالای اسناد بالادستی و انتظارات متنوع و متعدد آن‌ها در کنار انتظارات از این مؤسسات در سطح بین‌المللی و حرکت در لبه دانش باعث شده است تا دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در مسیر توسعه، با مسائل و مشکلاتی مواجه باشند که مانع از رشد آن‌ها شده و باعث ایجاد سردرگمی در فعالیت آن‌ها شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده در بالا ضروری به‌نظر می‌رسد که اعتبارسنجی از عملکرد اسناد بالادستی در راستای حرکت آن‌ها در جهت منویات جامعه و حاکمیت انجام شود. یکی از محورهای اعتبارسنجی نظام آموزش عالی توجه به عملکرد آن‌ها در قالب اسناد بالادستی حاکمیت است. بر این اساس و در راستای اعتبارسنجی، ضروری است تا توقعات و انتظارات اسناد بالادستی از نظام آموزش عالی شناسایی شود و این امر

1. Quality Education

2. Accreditation



جز با شناسایی این اسناد و توجه به خواسته‌های آن‌ها از نظام آموزش عالی احضا نخواهد شد. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی انتظارات اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی است. در این راستا تلاش شده تا با تحلیل اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور و استخراج انتظارات از نظام آموزش عالی نسبت به ارائه پیشنهادهایی برای نهادهای حاکمیتی و نیز دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی اقدام شود.

اسناد بالادستی نظام آموزش عالی در هر کشوری چراغ راه نظام آموزش عالی در آن کشور محسوب می‌شود. از این رو نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از محورهای توسعه پایدار کشور همواره در برنامه‌های توسعه کشور مورد توجه جدی مسئولان حاکمیت قرار دارد. امروزه اسناد بالادستی نظام آموزش عالی در کنار معیارهای رتبه‌بندی در نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، به‌ویژه در کشورهایی قرار دارند که نتایج رتبه‌بندی این نظام‌ها بسیار مورد توجه هستند و ارتباط‌های بین‌المللی در آن‌ها بسیار حائز اهمیت است، و زمانی می‌توانند مؤثر واقع شوند که این دو عنصر هم‌مسیر بوده و در یک راستا قرار داشته باشند. از این رو در هر کشوری در کنار توجه به نظام‌های رتبه‌بندی و معیارها و شاخص‌های آنها، نظام اعتبارسنجی نیز در کشور وجود دارد که کیفیت و کمیت توجه به مؤلفه‌های اسناد بالادستی و میزان مراعات آن‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهند.

مطالعه اسناد بالادستی نظام آموزش عالی پس از سال ۱۳۷۴ در کشور مورد توجه قرار گرفت. سیاری (۱۳۷۴) در مطالعه خود نشان داد که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در برنامه‌های توسعه همکاری نداشته‌اند و اطلاعات خاصی نیز از وضعیت آن‌ها در دسترس نبود. تمرکز پژوهش‌ها، ابتدا بر تحلیل برنامه‌های توسعه به‌عنوان یکی از اسناد بالادستی نظام آموزش عالی بود. در این پژوهش‌ها به موانع و آسیب‌های اجرای برنامه توسعه آموزش عالی مانند نبود ارزشیابی محیط‌های بیرونی و درونی، نهادینه شدن نظام ارزشیابی مداوم، عدم انطباق ساختار با ویژگی‌ها و محیط (Ejtihadi, 2007; Taslimi, 2004) و عوامل پیش‌برنده برنامه‌های توسعه آموزش عالی مانند الزام‌های فنی، قانونی، عمومی، مدیریتی، فرهنگی و ساختاری پرداخته شده است.

در برخی دیگر از پژوهش‌ها به تحلیل محتوایی اسناد بالادستی نظام آموزش عالی پرداخته شده است. نوروززاده، فتحی و اجارگاه و کیدوری (Norooz Zadeh et al., 2013) به تحلیل محتوایی اسناد بالادستی به‌منظور استنتاج سیاست‌های برنامه‌های توسعه پنجم نظام آموزش عالی پرداخته است و ضمن آن به برخی از سیاست‌های محوری نظیر فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توانمندسازی منابع انسانی، توسعه زیرساخت‌ها، همکاری‌های بین‌المللی اشاره کرده است. همچنین ارزیابی بخش علم و فناوری قانون پنجم توسعه از منظر اسناد بالادستی توسط نوروززاده، شفیع‌زاده و روحانی (Norooz Zadeh et al., 2013) مطالعه شد. ارباب شیرانی و خاکباز (Erbab Shirani, 2011) نیز به مطالعه نقش علم و فناوری در برنامه‌های توسعه ملی پرداخته و به ضرورت توجه به اجزای اصلی توسعه مانند آموزش، پژوهش و فناوری اذعان داشت. جایگاه آموزش عالی بین‌المللی در نقشه جامع علمی کشور نیز توسط مهدی (Mahdi, 2015) مطالعه شد. استقلال نظام دانشگاهی در برنامه‌های آموزش عالی نیز توسط فتح‌الهی و همکاران (Fathollahi et al., 2015) مطالعه شد و در آن به تغییر پارادایم از مدل حکمرانی دولت‌مدار به بازارمحور در طول برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه اشاره شد. آسیب‌شناسی نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از منظر اسناد بالادستی آموزش عالی کشور توسط زارع‌بنادکوهی و همکاران (Zare' Banadkouki et al., 2017) انجام شد. نتایج این پژوهش نیز نشان داد ۶۹ درصد از مفاهیم استخراج شده از اسناد بالادستی در شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی وجود دارند. خورسندی و پناهی (Khorsandi Taskuh & Panahi, 2016) نیز به تحلیل انتقادی نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها پرداخت و پیشنهادهایی سیاستی برای آموزش عالی در ایران ارائه داد. در نهایت نادری روشناوند و همکاران (Nadari Roshanavand et al., 2019) به تحلیل سیاست‌های توسعه مالی دانشگاه‌ها بر اساس اسناد فرادستی آموزش عالی پرداخته است. مطالعه این پژوهش‌ها نشان از اهمیت توجه به اسناد بالادستی در اعتبارسنجی مراکز آموزش عالی

دارد. همچنین نگاهی به محورهای تحت پوشش آن‌ها نشان می‌دهد که مطالعه اسناد بالادستی و توجه به مسیر توجه و تحول آنها، می‌تواند در ریل‌گذاری آموزش عالی و توسعه آن رهگشا باشد. لذا انجام این پژوهش می‌تواند ضروری باشد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع کیفی و با روش مطالعه سندی با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. بر این اساس ابتدا مطالعه‌ای در حوزه اسناد بالادستی در حوزه آموزش عالی شد. سپس متن آن‌ها به دقت مورد مذاقه قرار گرفت و مطالعه شد و محورها و توقعات این اسناد از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی شناسایی شد. در این راستا، دو مرحله فیلترگذاری توسط دو متخصص به صورت هم‌زمان و مقایسه نتایج با یکدیگر در گام بعدی انجام شد و در نهایت تعداد ۳۹۱ محور از این اسناد استخراج شد. در مطالعه اسناد مشخص شد که برخی از انتظارات وجود دارند که عمومیت بیشتری از محدودیت عملکرد نظام آموزش عالی دارند. علاوه بر این در برخی موارد مفهوم اصلی مورد نظر نیازمند پژوهش، آموزش و غیره دارد ولی مستقیماً به نظام آموزش عالی مرتبط نیستند. به‌عنوان مثال اضاره به توسعه شده که یکی از مبانی آن مطالعه، پژوهش و آموزش است ولی نظام آموزش عالی مخاطب اصلی این خواسته نیست. لذا در موارد مشابه سعی شد، گزاره‌های مورد نظر مبنای عمل قرار نگرفته و تحلیل نشوند. سپس با توجه به محورهای مطرح در اسناد بالادستی، اقدام به خوشه‌بندی مؤلفه‌ها شد. با توجه به تنوع محورهای مورد تأکید در اسناد بالادستی و نبود نظام طبقه‌بندی مناسب برای دسته‌بندی این محورها اقدام به خوشه‌بندی آن‌ها شد. برای این منظور و با توجه به محورهای مطرح در اسناد، هشت محور زیرساخت، سیاست‌گذاری، ارتباط با صنعت، فرهنگی و اجتماعی، تجاری‌سازی، آموزش، پژوهش و مشارکت علمی به عنوان محورهای اصلی خوشه‌ها شناسایی شدند^۱. به‌منظور پیشگیری از اقدام‌های سلیقه‌ای و ممانعت از سوگیری در خوشه‌بندی مؤلفه‌ها، این کار توسط دو متخصص به‌صورت هم‌زمان انجام گرفت و سپس نتایج با یکدیگر مطابقت داده شد و موارد متناقض بررسی و نهایی شدند.

جامعه مطالعاتی پژوهش حاضر در بخش مطالعه اسناد بالادستی، اسناد بالادستی (۱۲ سند) نظام آموزش عالی، اشاره شده در **جدول ۱**، بودند. شناسایی این اسناد با جستجو در سامانه‌های متعدد و به‌ویژه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های زیرمجموعه انجام شد که در نهایت این اسناد شناسایی و مطالعه شدند.

جدول ۱

فهرست اسناد بالادستی مطالعه شده در پژوهش

آمایش سرزمین (موارد مرتبط با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور)	سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور (وزارت عتف، ۱۳۸۸)
(سازمان برنامه بودجه کشور، ۱۳۹۹)	
طرح آمایش آموزش عالی (وزارت عتف، ۱۳۹۴)	نقشه جامع علمی کشور (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، و دیگران، ۱۳۸۹)
بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷)	سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴)
الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷)	سند آموزش عمومی، آموزش عالی و علم و فناوری برنامه ششم توسعه (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴)
برنامه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دوره سیزدهم (Zolfigol, 2021)	برنامه راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (وزارت عتف، ۱۳۸۶)
سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲)	سند چشم‌انداز ۲۰ساله جمهوری اسلامی ایران (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶)

^۱. با توجه به اینکه یک گزاره ممکن است به بیش از یک موضوع اشاره کرده باشد، در چنین مواردی آن گزاره در بیش از یک خوشه قرار گرفت. البته در عمل و پس از اقدام مشخص شد که تعداد این موارد معدود بود.



داده‌های مستخرج از اسناد از ابتدا وارد محیط نرم‌افزار اکسل شدند و تمام مراحل تحلیل روی این داده‌ها در این محیط انجام گرفت. سیاهه واری برای کسب روایی از شاخص‌های استخراج شده از اسناد بالادستی نیز در این محیط تهیه و در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان قرار گرفت. برای این منظور از پنل دلفی استفاده شد. پنل دلفی با استفاده از رهنمودهای علیدوستی (Alidoust, 2006) در دو مرحله اجرا شد. در نهایت با بهره‌گیری از نتایج این مرحله و تحلیل صورت گرفته، اقدام به ارائه پیشنهادهای در دو سطح نهادهای بالادستی نظام آموزش عالی و نظام آموزش عالی شد.

یافته‌ها

در کل تعداد ۳۹۴ گزاره از ۱۲ سند بالادستی نظام آموزش عالی، پیرو مطالعه اسناد بالادستی، استخراج شده است و در قالب ۸ معیار اشاره شده (در جدول ۲) توزیع شدند. همچنین برخی از گزاره‌ها به دلیل ارتباطشان با بیش از یک معیار در معیارهای مرتبط قرار گرفتند. در نهایت تعداد گزاره‌ها در معیارها بیش از تعداد آن‌ها در کل گزاره‌های استخراج شده نخستین است. در چنین مواردی در یافته‌های ارائه شده در این بخش در مقابل گزاره مورد نظر، مؤلفه و شاخصی درج نشد.

جدول ۲

معیارهای اصلی و تعداد گزاره‌های مرتبط استخراج شده از اسناد بالادستی

معیارهای اصلی	تعداد گزاره‌ها	درصد از کل
زیرساخت	۸۳	۲۱/۰۶
پژوهش	۷۸	۱۹/۸۰
فرهنگی-اجتماعی	۶۲	۱۵/۷۴
آموزش	۶۰	۱۵/۲۴
سیاست	۳۰	۷/۶۱
مشارکت علمی	۳۰	۷/۶۱
ارتباط با صنعت	۲۷	۶/۸۵
تجاری‌سازی	۲۴	۶/۰۹
جمع کل	۳۹۴	۱۰۰

خوشه زیرساخت به گزاره‌هایی از اسناد بالادستی اشاره دارد که در آن‌ها به بنیان‌های اصلی و زیربنایی دانشگاه‌ها اشاره شده و در ضمن آن گزاره‌ها، تلاش دارد این عوامل توسعه پیدا کنند. منظور از خوشه پژوهش، گزاره‌هایی از اسناد بالادستی است که به مسأله پژوهش و زوایای مرتبط با آن می‌پردازند. خوشه فرهنگی-اجتماعی شامل گزاره‌هایی از اسناد بالادستی نظام آموزش عالی در کشور است که به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها تأکید دارند. در خوشه آموزش، گزاره‌هایی از اسناد بالادستی قرار گرفته‌اند که به کارکرد آموزش و سنجش کیفیت آن به‌ویژه آموزش‌های مهارتی تأکید دارند. در خوشه سیاست، گزاره‌هایی از اسناد بالادستی نظام آموزش عالی گردآمده‌اند که به وجوه مختلف کارکردی/عملکردی دانشگاه اشاره دارند. در خوشه مشارکت علمی به ارتباطات اعضای هیئت علمی و دانشگاه‌ها با سایر سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی اعم از حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و نیز اعضای هیئت علمی سازمان‌ها و نهادهای دیگر اشاره شده است. خوشه ارتباط با صنعت، خوشه‌ای است که در آن گزاره‌هایی که تأکید بر ارتباط دانشگاه‌ها با صنعت مرتبط دارند، گرد هم آمده‌اند.



تجاری‌سازی نیز خوشه‌ای است که در آن گزاره‌های مرتبط با تجاری‌سازی و فرآیند تبدیل ایده به محصول یا خدمت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

نگاهی به میزان تمرکز گزاره‌ها بر معیارهای اصلی نشان می‌دهد که معیار زیرساخت با حدود ۲۱ درصد و پژوهش با حدود ۲۰ درصد بیشترین تأکید اسناد بالادستی را در میان سایر معیارها به خود اختصاص داده‌اند و سپس معیار فرهنگی-اجتماعی با حدود ۱۶ و آموزش با حدود ۱۵ درصد قرار دارند و در انتها معیارهای سیاست‌گذاری و مشارکت علمی (حدود ۸ درصد)، ارتباط با صنعت (حدود ۷ درصد) و تجاری‌سازی (حدود ۶ درصد) قرار دارند. همین نگاهی کمی به تعداد گزاره‌ها به نوعی نشان از توجه به زیرساخت و پژوهش و کم توجهی به کاربردپذیری و ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی ایده‌ها در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی دارد. حضور آموزش در رتبه چهارم نیز نشان از توجه کم به آموزش در اسناد بالادستی در دانشگاه‌ها دارد که لازم است این موضوع مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد که چرا به آموزش که به عنوان محور اصلی و اولیه دانشگاه‌ها است کم‌تر بها داده شده است.

در راستای مطالعه اسناد در این پژوهش، **جدول ۳** جمع‌بندی از محتواهای این اسناد را ارائه می‌دهد.

جدول ۳

وضعیت اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور در حوزه‌های هشتگانه پژوهش

زیرساخت	پژوهش	فرهنگی و اجتماعی	آموزش	سیاست	مشارکت علمی	ارتباط با صنعت	تجاری‌سازی	جمع کل	درصد از کل
۳۱	۴	۱۰	۵	۴	۳	۱۰	۱۴	۸۱	۲۰/۷۲
۴	۰	۱	۱۱	۳	۰	۲	۳	۲۴	۶/۱۴
۲	۳	۸	۰	۹	۰	۲	۱	۲۵	۶/۳۹
۰	۷	۱۵	۰	۰	۱	۲	۰	۲۵	۶/۳۹
۱	۴	۳	۶	۹	۱	۱	۱	۲۶	۶/۶۵
۱۳	۱۲	۱۷	۱۴	۴	۸	۲	۲	۷۲	۱۸/۴۱
۱۵	۱۶	۲	۷	۰	۹	۰	۱	۵۰	۱۲/۷۹
۴	۱	۴	۲	۰	۶	۶	۱	۲۴	۶/۱۴
۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۲	۰/۵۱
۰	۸	۰	۵	۱	۰	۰	۱	۱۵	۳/۸۴
۱۱	۱۹	۲	۱۰	۰	۱	۱	۰	۴۴	۱۱/۲۵
۱	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰/۷۷
۸۲	۷۷	۶۲	۶۰	۳۰	۳۰	۲۶	۲۴	۳۹۱	۱۰۰
۲۰/۹۷	۱۹/۶۹	۱۵/۸۶	۱۵/۳۵	۷/۶۷	۷/۶۷	۶/۶۵	۶/۱۴	۱۰۰	





ملاحظه درصد پوشش گزاره‌های احصا شده نشان‌دهنده این است که سه سند آمایش سرزمین، اسلامی شدن دانشگاه‌ها و سند تحول راهبردی علم و فناوری کشور در مجموع بیش از ۵۲ درصد از گزاره‌ها در ارتباط با نظام آموزش عالی کشور را شامل می‌شوند که نشان‌دهنده تأکید ویژه این اسناد بر نظام آموزش عالی کشور است. در مقابل دو سند سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور و چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران تنها حدود یک درصد از گزاره‌ها (۵ گزاره) را شامل می‌شوند. نکته مهم این است که اسنادی که ویژه نظام آموزش عالی هستند مانند برنامه وزیر عتف دوره سیزدهم و برنامه راهبردی وزارت عتف (با حدود ۱۸ درصد گزاره‌ها)، دارای گزاره‌های محدودتری نسبت به سه سند ذکر شده در بالا هستند. این نتیجه همسو با نتیجه حاصل شده از پژوهش زارع‌بنادکوکوی و همکاران (Zare' Banadkouki et al., 2017) است که طی آن هفت سند بالادستی نظام آموزش عالی مطالعه شده بود. یافته پژوهش مذکور نشان داد که سیاست‌های برنامه ششم توسعه کشور و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور کم‌ترین توجه را به نظام آموزش عالی کشور داشته‌اند. از این رو، انتظار می‌رود نظام آموزش عالی کشور، به‌عنوان نهادی جامع و بسیار مهم در کشور در تربیت نسل آینده کشور و نیز موتور محرکه اقتصاد و توسعه کشور، باید بسیار بیش از این‌ها مورد توجه اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور قرار گیرد. علاوه بر این باید همسویی بین انتظارات ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی از نظام آموزش عالی در اسناد بالادستی شکل بگیرد.

تحلیل گزاره‌ها در حوزه سیاست نشان داد که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با ۹ گزاره در این زمینه تأکید بر تبیین آرمان‌های انقلاب برای دانشجویان و تمدن‌سازی نوین اسلامی توسط نظام آموزش عالی کشور دارد. از این رو، این سند، انجام اقدام‌هایی در زمینه تمدن‌سازی نوین اسلامی را در کنار وظایف دیگر دانشگاه‌ها به این نهادها توصیه می‌کند و این انتظار را از دانشگاه‌ها ارائه می‌دهد که بتوانند در این زمینه فعال عمل کنند. در مقابل برنامه وزیر عتف دولت سیزدهم در حوزه سیاست‌گذاری به دنبال بهره‌گیری از دانشجویان دکتری در حوزه پژوهش و اصلاح نظام جبران خدمات اساتید است. سایر اسناد نیز در حوزه سیاست‌گذاری در پی بومی‌سازی علوم انسانی (سند آموزش عمومی، آموزش عالی و علم و فناوری برنامه ششم توسعه)، وجود برنامه راهبردی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی (آمایش سرزمین)، و نقش آفرینی علم در اقتصاد و ایجاد تحول در آن (آمایش آموزش عالی) هستند. به‌طور کلی در حوزه سیاست‌گذاری اسناد بالادستی در پی نهادینه‌سازی آرمان‌های انقلاب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی و توجه به حوزه علوم انسانی هستند. این الزام‌ها در حوزه سیاست در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی نشان از این دارد که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی باید در این مسیر حرکت کنند و نیازمند برنامه‌ریزی مناسب در این حوزه هستند. با توجه به حاکمیتی بودن نظام آموزش عالی در کشور و توجه ویژه آن به داخل، لازم است این سیاست‌ها از مراجعی خارج از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، تبیین و به دانشگاه‌ها ابلاغ شوند و ارزیابی‌های مستمر در مورد شیوه اقدام و میزان توجه به آن‌ها انجام شود.

در حوزه زیرساخت، اسناد مورد مطالعه، تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای نیل به توسعه پایدار در دانشگاه‌ها دارند. لذا لازم است ظرفیت‌های مورد نیاز برای توسعه آموزش عالی از منظر زیرساخت فیزیکی، مجازی، محتوایی و همکاری‌های داخلی و خارجی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور شکل بگیرد. نگاهی به وضعیت موجود زیرساخت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور نشان از این دارد که این مؤسسه‌ها از منظر زیرساخت‌های فیزیکی در وضعیت مطلوبی قرار دارند ولی در سایر موارد نیازمند توجه ویژه هستند. بنابراین ضروری است زیرساخت‌های لازم در حوزه قابلیت‌های فضای مجازی، محتوایی و امکانات همکاری بین مؤسسات علمی داخل و خارج از کشور تقویت شود. وجود محدودیت‌ها در زیرساخت‌های کشور و نیز تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه علم و فناوری مانع از این شده تا زیرساخت‌های لازم برای این مؤسسات فراهم شود. توجه به زیرساخت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی کشور در توسعه پایدار، امری مهم و بدیهی تلقی می‌شود. لذا باید بسترهای لازم در ارتباط با مراکز علمی در نظام آموزش عالی کشور فراهم شود. هر چه این روابط غنی‌تر شود، می‌توان آثار آن را در توسعه پایدار کشور و نیز توسعه سطح علمی مؤسسات علمی کشور شاهد بود.



از منظر فرهنگی و اجتماعی ۶۲ گزاره (حدود ۱۶ درصد کل گزاره‌ها) در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی مطرح شده است. نهادینه‌سازی اصول اسلامی و توسعه فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی نکاتی هستند که در اسناد مورد توجه هستند. از منظر نهادینه‌سازی توجه به بهره‌گیری از معماری ایرانی-اسلامی در فضاهای فیزیکی و مجازی، سبک زندگی ایرانی-اسلامی و اخلاق حرفه‌ای اسلامی مورد توجه ویژه هستند. این موضوع در پژوهش زارع بنادکوهی و همکاران (Zare' Banadkouki et al., 2017) نیز حاصل شده است و از این منظر نتایج حاصل شده با یکدیگر همسو هستند. وجود بسترهای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مانند تشکلهای مرتبط در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی از جمله ضروریات اصلی فعالیت‌ها در حوزه فرهنگ هستند. از این رو، لازم است این زیرساخت‌ها برای فعالیت‌های فرهنگی به لحاظ ساختاری و سازمانی فراهم شود. بدیهی است در حوزه فرهنگ فقط وجود زیرساخت و امکانات، کافی نیست و لازم است از منظر انگیزش و تربیت نیروی انسانی اقدام‌های مناسبی شکل بگیرد. لذا ضروری است فعالیت‌های متعددی از منظر زیرساخت و روبنا و تربیت نیروی انسانی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور صورت پذیرد.

نتایج پژوهش در حوزه مطالعه اسناد در زمینه ارتباط با صنعت نشان‌دهنده این است که حدود ۷ درصد گزاره‌های احصا شده از اسناد مرتبط با این حوزه است. ویژگی ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی از جمله مؤلفه‌های مهم دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در نسل سوم است. سند آمایش سرزمین با ۱۰ گزاره بیشترین تمرکز را بر این معیار داشته است. در این معیار اسناد بالادستی تأکید بر تعامل بین دانشگاه با صنعت و اشتغال فارغ‌التحصیلان دارند. لذا ارتباط دانشگاه با صنعت، حلقه واسط گم شده در توسعه پایدار کشور است. البته مطالعه اسناد نشان از توجه محدود آن‌ها به موضوع مهم ارتباط با صنعت است و زوایای مختلف آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ارتباط دانشگاه با صنعت در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور تنها با ۴ درصد ارزش زیرمجموعه معیار فناوری و نوآوری و به همان میزان اثرگذاری در معیار اثرگذاری اقتصادی مطرح شده است. ارتباط بین دانشگاه و صنعت، ارتباطی دوسویه است و نیازمند تمایل و تعامل دو طرف مسأله است. در هر حال این ارتباط قوی یا ضعیف باید وجود داشته باشد. زیرا دانشگاه‌ها حداقل، نیروی انسانی لازم برای صنایع و جامعه را تربیت می‌کنند و لذا باید نیازمندی‌های تخصص و مهارت نیروی انسانی صنایع را بشناسد و متناسب با آن نیروی انسانی را تربیت کند. در مقابل صنایع نیز با مشکلاتی مواجه هستند که بدون دانش و تخصص دانشگاه قابل حل نیستند در غیر این صنایع با مشکلات زیادی مواجه خواهند بود.

گزاره‌های احصا شده از اسناد بالادستی در زمینه تجاری‌سازی (با حدود ۶ درصد) نشان‌دهنده این است که تنها سند آمایش سرزمین بیشترین تمرکز را بر این وظیفه دانشگاه دارد و سایر اسناد توجه بسیار محدودی بر این موضوع بسیار مهم داشته‌اند. برنامه راهبردی وزارت عتف، برنامه وزیر عتف دولت سیزدهم و سند تحول راهبردی علم و فناوری تنها در مجموع با دو گزاره به این موضوع پرداخته‌اند. این موضوع نشان از کم توجهی و یا بی‌توجهی بسیار از اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور به این موضوع مهم و حیاتی دارد. اسناد مورد مطالعه از منظر تجاری‌سازی اشاره داشته‌اند که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی باید به سمت شرکت‌های نوآور و تولید محصولات دانش‌بنیان حرکت کنند. بر این اساس دانشگاه‌ها موظف هستند زنجیره چرخه ایده تا محصول و تجاری‌سازی محصول را در دانشگاه شکل دهند. این موضوع مهم مورد بی‌مهری در اسناد بالادستی قرار گرفته است. زمانی این موضوع اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم این موضوع به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی دانشگاه‌های نسل سوم است. این موضوع در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور با شاخص‌های تجاری‌سازی و کارآفرینی با حدود ۷ درصد اثرگذاری، زیرمجموعه معیار نوآوری و فناوری مطرح شده است.

نتایج در مورد ارتباط گزاره‌های احصا شده از اسناد بالادستی نظام آموزش عالی در موضوع آموزش نشان می‌دهد که اسناد بالادستی با اختصاص حدود ۱۵ درصد گزاره‌ها توجه مناسبی را به این موضوع داشته‌اند. در بین اسناد مطالعه شده سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و آمایش





آموزش عالی (با حدود بیش از ۴۵ درصد گزاره‌ها در این موضوع) بیشترین تأکید را بر آموزش در نظام آموزش عالی داشته‌اند. اسناد بالادستی نظام آموزش عالی در حوزه آموزش تأکید بر تحول در آموزش، اعضای هیئت علمی و دانشجویان به عنوان سه بُعد اصلی آموزش دارند. دانشگاه‌ها در حوزه آموزش نیازمند تحول و بانگری در رشته‌ها و محتوای برنامه درسی به ویژه در حوزه علوم انسانی هستند. اسناد بالادستی اشاره به این دارند که محتواها باید با نیازهای جامعه و نظام تعلیم و تربیت اسلامی سازگار باشند. این اسناد نشان می‌دهد که هنوز در این زمینه ضعف‌هایی وجود دارد و لازمه آن ایجاد تحول در این زمینه است. همچنین نشان می‌دهند که حوزه آموزش علوم انسانی همچنان با ضعف‌های اساسی مواجه هستند و نیاز به تغییرات اساسی در آن‌ها است. از طرفی نیز جامعه نیازمند فارغ‌التحصیلانی مسلح به مهارت‌های عملیاتی است. بنابراین اکثر اسناد مطالعه شده در تأکید بر آموزش‌های مهارتی، نیاز محوری و توسعه رشته‌ها و آموزش‌های بین‌رشته‌ای در آموزش دارند. به نظر می‌رسد رسالت دانشگاه‌ها تفاوت‌های ماهوی با یکدیگر دارند. به عنوان مثال دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی با هدف تربیت معلمان برای آموزش و پرورش شکل گرفته است. دانشگاه پیام نور با هدف ایجاد امکان تحصیل از دور برای افرادی که امکان حضور فیزیکی در دانشگاه‌ها ندارند، ایجاد شده است. دانشگاه فنی و حرفه‌ای با هدف ارائه آموزش‌های مهارتی شکل گرفته است. دانشگاه علامه طباطبائی با هدف تمرکز بر رشته‌های علوم انسانی توسعه یافته است. به نظر می‌رسد عمومیت بخشیدن به گزاره‌های اشاره شده با توجه به نمونه‌های اشاره شده منطقی نباشد. دلیل اصلی این موضوع نیز رسالت وجودی دانشگاه‌ها به عنوان مهد علم و فناوری و زیربنای توسعه علمی کشور است. این موضوع که آیا همه دانشگاه‌ها باید به سمت آموزش‌های مهارتی حرکت کنند یا خیر، با توجه به گزاره‌های عمومی اشاره شده در اسناد بالادستی همچنان مبهم است. از طرفی نیز نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی همه این دانشگاه‌ها را با یک معیارها و ارزش‌های یکسان می‌سنجد و تفاوتی بین آن‌ها قائل نیستند. همچنین تصمیم‌سازی‌ها در سطوح بالای کشور بر اساس نتایج این ارزیابی‌ها است و همه دانشگاه‌ها و اجزاء آن‌ها تشویق می‌شوند (در برخی مواقع مجبور می‌شوند) مطابق میل و مسیره‌ی نظام‌های رتبه‌بندی ملی و بین‌المللی حرکت کنند.

بعد دیگر و مهم در حوزه آموزش توجه به دانشجویان و اعضای هیئت علمی در آموزش است. نظام آموزش عالی به دنبال جذب دانشجویان و اعضای هیئت علمی بین‌المللی بر اساس گزاره‌هایی هستند که در اسناد بالادستی و نظام‌های رتبه‌بندی ملی و بین‌المللی است. این موضوع نشان از نیاز به تعامل بالا با مراکز علمی بین‌المللی و افراد شاخص در آن‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها است. از طرفی نیز تصمیم‌گیری‌های عجولانه و گاهی اوقات هیجانی در جذب دانشجویان بین‌المللی (به‌ویژه ارائه تسهیلات ویژه به آن‌ها از کشورهای همسایه) باعث افت کیفیت در آموزش شده و آثار منفی بر اعتبار دانشگاه‌های کشور گذاشته است. نتیجه آن در پذیرش اعتبار مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان در کشورهای مبدأ است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ تیر ۱۴۰۱). در کنار این موضوع روابط علمی بین اعضای هیئت علمی داخلی و بین‌المللی همچنان در پایین‌ترین شکل خود قرار دارد.

نتایج پژوهش در مورد ارتباط گزاره‌های احصا شده از اسناد بالادستی در موضوع پژوهش نشان می‌دهد که این اسناد با اختصاص حدود ۲۰ درصد گزاره‌ها، توجه زیادی به این موضوع داشته‌اند. برنامه راهبردی وزارت عتف (با ۱۹ گزاره)، سند تحول راهبردی علم و فناوری (با ۱۶ گزاره) و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (با ۱۲ گزاره) بیشترین تأکید را در میان سایر اسناد به موضوع پژوهش داشته‌اند. بالا بودن اعتبار این معیار نسبت به آموزش که رکن رکین دانشگاه‌ها است نشان از زیاده‌روی در این موضوع در اسناد بالادستی آموزش عالی دارد. این موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم اکثریت گزاره‌ها در موضوع مشارکت علمی نیز مجدد به موضوع پژوهش مرتبط هستند.

از منظر پژوهش در اسناد بالادستی تأکید ویژه‌ای بر مسأله‌محوری پژوهش‌ها، سرانه انتشارات، و حمایت از پژوهش‌ها شده است. مسأله محوری و تلاش بر حل مسائل کشور نکته بسیار مهمی است که در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی بر آن تأکید شده است. بنابراین باید مسأله‌محوری و توجه به مشکلات و مسائل کشور و ارائه راه‌حل برای آن‌ها از طریق پژوهش‌ها، مورد توجه نظام آموزش عالی کشور قرار گیرد.



لذا ضروری است سازوکار عملیاتی برای این موضوع و تشویق پژوهشگران به پرداختن به این موضوعها، در اولویت نظام آموزش عالی کشور و نیز صنایع، دولت و جامعه باشد. یکی از مشکلات اساسی موجود در کشور استقلال صنایع، دولت و جامعه از دانشگاه به عنوان مرجع ارائه کننده راهکار برای مشکلات در جامعه است. لذا با سعی و خطا سعی در رفع مشکلات خود دارند و این موضوع مشکلات اساسی را در کشور به وجود آورده و باعث صرف هزینه‌های بسیاری در رفع خطاها شده است. این موضوع به شکل‌های مختلف در شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی قابل مشاهده است.

سرانه پژوهش و حمایت از پژوهش‌ها نکته دیگری است که در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی مورد تأکید قرار گرفته است. این موضوع نشان از توجه پژوهشگران بر انتشار نتایج پژوهش‌ها در قالب‌های مختلف دارد. این روزها موضوع انتشار مقالات تبدیل به نوعی رقابت شده که در آن کمیت بر کیفیت پیشی گرفته است. این در حالی است که این رقابت به نفع رشته‌هایی است که به راحتی امکان انتشار آثار به ویژه با نمایه‌های بین‌المللی وجود دارد. در مقابل رشته‌هایی که کمتر امکان انتشار آثار به ویژه در نشریاتی با نمایه‌های بین‌المللی (مانند رشته‌های علوم انسانی و هنر) دارند در این رقابت از پیش بازنده هستند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که تصمیم‌سازان ارائه تسهیلات به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی را منوط به این موضوع می‌کنند. همچنین این موضوع مسأله محوری در پژوهش‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. از طرفی نیز ملاحظه شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها نشان از توجه ویژه این نظام‌ها بر موضوع سرانه پژوهش دارند. این نظام‌ها با افزودن شاخص میزان استناد به آثار منتشر شده و انتشار در نشریات معتبر سعی در توجه به کیفیت در مقابل کمیت دارند.

نتایج پژوهش در مورد ارتباط گزاره‌های احصا شده از اسناد بالادستی در موضوع مشارکت علمی نشان می‌دهد که اسناد بالادستی نظام آموزش عالی با اختصاص حدود ۷ درصد گزاره‌ها به این موضوع توجه داشته‌اند. سند تحول راهبردی علم و فناوری (با ۹ گزاره) و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (با ۸ گزاره) بیشترین تأکید را در میان سایر اسناد به موضوع پژوهش داشته‌اند. نکته پررنگ در اکثر اسناد بالادستی نظام آموزش عالی، تعامل حوزه و دانشگاه است. علاوه بر آن به شبکه‌سازی بین دانشمندان جهان اسلام و توسعه فضای تعامل فکری دانشمندان به ویژه دانشمندان علوم دینی نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. موضوع مشارکت علمی دارای زوایای گسترده‌ای است و محدود به تعامل حوزه و دانشگاه نیست. لذا ضروری است این موضوع در اسناد مورد توجه جدی قرار گیرد. داد و ستد علمی میان مراکز علمی جهان باعث رشد و توسعه علوم و تسهیل زندگی بشر می‌شود. به نظر می‌رسد شبکه‌سازی بین دانشمندان باید در تمام علوم مد نظر قرار گیرد و نباید تنها متمرکز بر دانشمندان علوم دینی و یا دانشمندان جهان اسلام شود. هر چند این موضوع نیز حائز اهمیت است ولی جامعیت کافی بر تمام حوزه‌های علمی را ندارد. بنابراین جامعیت توجه به مشارکت علمی موضوعی مهم است که ضرورت دارد در اسناد بالادستی و نیز تصمیم‌سازان در نظام آموزش عالی مورد توجه جدی قرار گیرد. شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی با بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف به موضوع مشارکت علمی می‌پردازند ولی موضوع مشارکت علمی دانشگاه و حوزه در شاخص‌های این نظام‌ها مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اسناد بالادستی نظام آموزش عالی با توجه به تنوع بالایی که دارند، نگاه‌های متفاوتی به آموزش عالی دارند. همین تنوع نگاه‌ها مانع از این می‌شود که هدف‌مندی مناسبی در نظام آموزش عالی کشور شکل بگیرد و عملکردهای متنوعی با هدف وصول به رویکردهای این اسناد در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی انجام شوند و همین موضوع باعث آشفتگی در عملکرد شود. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی علاوه بر توجه به منویات اسناد بالادستی، در راستای بین‌المللی شدن و تطابق با نظام‌های آموزش عالی بین‌المللی، به دنبال محقق ساختن اهداف و منویات آن‌ها نیز هستند. نظام آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته در پی وصول به دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم هستند که در آن‌ها عناصری



مانند کارآفرینی، ثروت‌آفرینی، سودمندی دانش و خلق ارزش‌های جدید اقتصادی از مأموریت‌های محوری دانشگاه‌ها است (Kitagawa, 2005). البته در این راستا در دانشگاه‌های نسل چهارم توجه به اقتصاد محلی و محیطی که دانشگاه در حال خدمت به آن است، در کنار توجه به نیازهای بین‌المللی نیز مد نظر است (Khorsandi Taskuh & Panahi, 2016) همین موضوع، فرصتی را فراهم می‌کند که همسویی بین سیاست‌های محلی و ملی با سیاست‌های بین‌المللی نظام‌های آموزش عالی رخ دهد.

نتایج حاصل شده از مطالعه اسناد بالادستی نشان داد که این اسناد بر محورهای، زیرساخت، پژوهش، فرهنگی و اجتماعی، آموزش، سیاست، مشارکت علمی، ارتباط با صنعت و تجاری‌سازی و تأکید دارند و در این بین، معیارهای زیرساخت، فرهنگی و اجتماعی، پژوهش و آموزش، به ترتیب بیشترین نوع آشفتگی تمرکز را در اسناد به خود اختصاص داده‌اند. ملاحظه گزاره‌های استخراج شده از اسناد بالادستی نشان‌دهنده تنوع بالا در انتظارات از نظام آموزش عالی کشور دارد. از طرفی نیز دانشگاه‌ها در سراسر دنیا در مسیر توسعه خود به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم با ویژگی‌های مختص خود هستند. دانشگاه‌ها در مسیر توسعه خود متمرکز بر بازار و نیازهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز تجاری‌سازی ایده‌ها و نتایج پژوهش‌ها هستند. این در حالی است که اسناد بالادستی نظام آموزش عالی، کم‌ترین بها را به این مباحث داده‌اند. علاوه بر این ملاحظه گزاره‌های مستخرج از اسناد بالادستی نشان داد که این اسناد، حتی توجه کمی به آموزش در نظام آموزش عالی کشور به‌عنوان مبنای عملکرد اصلی دانشگاه‌ها دارند. از این رو، به‌نظر می‌رسد اسناد بالادستی نظام آموزش عالی نیازمند به‌روزرسانی، هدف‌مندی و البته همسویی با یکدیگر هستند تا بتوانند دانشگاه‌ها را از تشتتی که درگیر آن هستند، رها کنند.

همسویی بین انتظارات اسناد بالادستی با یکدیگر و نیز با روند توسعه دانشگاه‌ها موضوعی مهم در نظام آموزش عالی کشور است تا بتوان مسیر توسعه دانشگاه‌ها را تسهیل کرد. نکته مهم در این زمینه همسوسازی خواسته‌های اسناد بالادستی با یکدیگر و با مسیر توسعه این نهادها در سطح بین‌المللی است. در حقیقت بسیاری از نکات مطرح در اسناد بالادستی، کیفی و مرتبط با اعتبارسنجی هستند و نیازمند نظامی برای اعتبارسنجی فعالیت‌ها هستیم.

پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان از تنوع انتظارات و خواسته‌ها و در بسیاری از موارد عدم توجه به رسالت، هدف‌گذاری‌ها و کارکردهای اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی است. از این رو پیشنهاد می‌شود در به‌روزرسانی محتوای اسناد بالادستی و نیز تولید اسناد جدید بالادستی نظام آموزش عالی کشور به رسالت، هدف‌گذاری و کارکردهای اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی توجه ویژه شود. همچنین لازم است این گزاره‌ها در راستای فعالیت‌بین‌المللی و هدف‌گذاری‌های دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی و در مسیر توسعه آن‌ها به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی باشند. در این راستا می‌توان از نظام‌های اعتبارسنجی برای سنجش کیفیت عملکرد مؤسسات استفاده کرد که دارای شاخص‌ها و روندهای متفاوتی از نظام‌های رتبه‌بندی هستند. از این رو، در راستای نتایج حاصل شده در این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- از منظر گزاره‌های احصا شده در حوزه زیرساخت در اسناد بالادستی، نتایج نشان داد که اسناد بالادستی تمرکز ویژه‌ای در تأمین زیرساخت‌های مختلف در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی با ۸۲ گزاره دارند. در این بین سند آمایش سرزمین بیشترین تمرکز را در این زمینه دارد. لذا پیشنهاد می‌شود زیرساخت‌های مورد نیاز در حوزه فضای مجازی، محتوا، سخت‌افزار و روابط ملی و بین‌المللی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور فراهم شود. در تأمین این زیرساخت‌ها، بسته به نوع زیرساخت، لازم است اقدام‌های مقتضی در سطح سیاست، برنامه‌ریزی و تأمین بودجه صورت گیرد تا شاهد توسعه پایدار در کشور باشیم. بهره‌گیری از گروه‌های



رتبه‌بندی متنوع (با توجه به ساختار و ماهیت این مؤسسه‌ها) در رتبه‌بندی‌ها (همانگونه که در چند دوره اخیر مورد توجه قرار گرفته) می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود.

- نتایج پژوهش نشان از تأکید ویژه اسناد بالادستی بر مسأله محوری پژوهش‌ها دارد. با توجه به ارتباط ضعیف دانشگاه با صنایع و استفاده بسیار محدود از راهکارهای ارائه شده توسط پژوهش‌ها در صنایع و رفع مشکلات موجود در جامعه، ضروری است راهکاری اندیشه شود تا این امر تسهیل یابد. به نظر می‌رسد باید آیین‌نامه‌ها تسهیل یابند و حتی بودجه پژوهشی صنایع به دانشگاه‌ها تعلق یابد و وابستگی و ارتباط بین این نهادها با دانشگاه‌ها تسهیل شود. با توجه به اهمیت این موضوع، ضروری است نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور نیز به این موضوع، توجه ویژه داشته باشد. پویاسازی امتیازها در سالیان متمادی می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت آن‌ها در دوره‌های مختلف رتبه‌بندی باشد. بنابراین محور اثرگذاری پژوهش‌ها به‌ویژه در رفع مشکلات کشور و ارتباط آن‌ها با مسائل روز جامعه و صنعت می‌تواند محوری باشد که اثرگذاری پژوهش‌ها را مورد توجه جدی قرار دهد.

- نتایج پژوهش نشان از تأکید اکثر اسناد بالادستی بر سرانه انتشار آثار دارند. با توجه به اینکه تمرکز بر این موضوع در رشته‌های مختلف علمی با یکدیگر متفاوت است و این موضع‌گیری‌ها باعث رقابت در انتشار بیشتر آثار و دور شدن از مسأله محوری در پژوهش‌ها می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان در این زمینه توجه کافی به تفاوت‌ها در رشته‌های علمی مختلف داشته باشند و تعادلی بین کمیّت و کیفیت در انتشار آثار برقرار نمایند. با توجه به اینکه این موضوع به شکل‌های مختلف در شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی نیز قابل مشاهده است، لازم است توجه به تفاوت‌ها در رشته‌های مختلف و نیز مسأله محوری در انجام پژوهش‌ها مورد تأکید ویژه‌ای قرار گیرند. این موضوع باید در شاخص‌ها و ارزش آن‌ها در رتبه‌بندی پژوهش‌ها و پژوهشگران در حوزه‌های علمی مختلف در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور نیز نمایان شود.

- نتایج پژوهش حاضر در مطالعه اسناد بالادستی در حوزه فرهنگی و اجتماعی نشان داد که دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی نیازمند توجه به زیرساخت‌های مورد نیاز در این حوزه هستند. لذا با توجه به وجود معاونت فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها، توجه ویژه‌ای به فعالیت این نهادها در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی شود و با توجه به شاخص‌های مرتبط، نظام اعتبارسنجی مستقلی طراحی و اجرا شود تا این موضوع به‌شکل بهینه‌ای رصد شود. البته باید همواره این موضوع مد نظر باشد که جدا سازی حوزه فرهنگ از مسائل دیگر اشتباه فاحشی است که مانع از توجه ویژه به فرهنگ شده است. هر چند هدف از این کار کاملاً برعکس بوده ولی نتیجه عکس حاصل شده است. همه امور نیازمند فرهنگ هستند و نمی‌توان فرهنگ را جدا از سایر امور مانند سیاست و اقتصاد دانست. از این رو، لازم است این موضوع‌ها در حوزه اعتبارسنجی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی مورد توجه و ارزیابی قرار گیرند و نه در رتبه‌بندی که وابستگی به نظام آموزش عالی در سطح بین‌المللی دارد.

- از منظر آموزش، نتایج پژوهش نشان داد که اسناد بالادستی تمرکز ویژه‌ای بر آموزش‌های مهارتی و تحول در نظام تعلیم و تربیت دارند. این موضوع در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور نیز مشهود است. با توجه به وجود دانشگاه‌های مهارت محور در کشور به نظر می‌رسد باید تصمیم‌سازان آموزش عالی در کشور به این تفاوت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود توجه داشته باشند و از عمومیت بخشیدن به این موارد در عمل پرهیز کنند. توجه به حوزه آموزش به‌جهت کیفی بودن آن در نظام‌های رتبه‌بندی با چالش همراه است. لذا ضروری است نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشور به تبعیت از عملکرد نظام‌های رتبه‌بندی و توجه به سیاست‌های ملی در این زمینه اقدام کرده و شاخص‌های مناسب را در این زمینه تعریف کند. در این حوزه بهره‌گیری از



تجربه نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی و استفاده از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات از ذی‌نفعان (مانند دانش‌آموختگان و بازار کار و صنعت) می‌تواند مؤثر واقع شود.

- نتایج پژوهش در حوزه آموزش همچنین نشان داد که جذب دانشجویان بین‌المللی در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته است. این موضوع به‌عنوان شاخص‌هایی در نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها نیز لحاظ شده است. در این زمینه لازم است توجه ویژه‌ای به کیفیت آموزش و افزایش اعتبار دانشنامه‌های صادر شده به دانشجویان بین‌المللی شود تا مشکلاتی در جهت کاهش اعتبار دانشگاه‌ها در کشورهای مبدأ ایجاد نشود. انتشار نتایج رتبه‌بندی‌ها در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در کشورهایی که دانشگاه‌های ایران می‌توانند به‌عنوان مقصد تحصیل برای آن‌ها در نظر گرفته شود، می‌تواند تأثیر زیادی در جذب دانشجویان بین‌المللی داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود از شاخص‌های معتبر بین‌المللی و بومی کشورهای اسلامی در رتبه‌بندی استفاده شود تا بتوان ارتباط بین دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی کشورهای اسلامی را غنی‌تر کرد. در این شرایط امکان جذب دانشجویان بین‌المللی بر اساس اسناد بالادستی نظام آموزش عالی می‌تواند فراهم شود. البته مسائل متعدد دیگری نیز در مسیر جذب دانشجویان و حتی استادان بین‌المللی در کشور وجود دارد که در دامنه بحث‌های این مقاله نمی‌گنجد.

- در حوزه اعضای هیئت علمی در آموزش نیز اسناد بالادستی به جذب و بهره‌گیری از اعضای هیئت علمی متدین و نیز تبادل استاد با دانشگاه‌های بین‌المللی توجه دارند. به‌نظر می‌رسد روال‌های اداری و مسائل متعدد موجود در این زمینه مشکلات زیادی را در این بین ایجاد می‌کند که این موضوع با کندی و در حداقل خود شکل گرفته است. لذا پیشنهاد می‌شود توجه ویژه‌ای به این موضوع در قوانین، روال‌های اداری و تصمیم‌گیری‌ها صورت پذیرد تا این موضوع تسهیل بیشتری بیابد. البته نتایج رتبه‌بندی‌ها می‌تواند در جذب اعضای هیئت علمی بین‌المللی نیز مؤثر باشد.

- پژوهش حاضر در حوزه سیاست در اسناد بالادستی به این نتیجه رسید که نیازمند تحول در علوم انسانی و نهادینه‌سازی آرمان‌های انقلاب در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی هستیم. لذا پیشنهاد می‌شود گروه مناسبی برای دانشکده‌ها و یا گروه‌های علوم انسانی در سطح کشور در نظام رتبه‌بندی طراحی و اجرا شود. در این نظام رتبه‌بندی، توجه به ویژگی‌های خاص دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های علوم انسانی ضروری است.

- نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اسناد بالادستی تمرکز ویژه‌ای بر تعامل حوزه و دانشگاه و شبکه‌سازی دانشمندان علوم دینی دارند. با توجه به اینکه موضوع مشارکت علمی محدوده پوششی گسترده‌ای نسبت به این موضوع دارد و ضروری است در اسناد بالادستی، این جامعیت مورد توجه قرار گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی شاخص‌های مناسب برای رصد تعامل اعضای علمی در حوزه‌های علمی مختلف مد نظر قرار گیرد. البته شاید پوشش این موضوع به حوزه فعالیت نظام استنادی بیشتر مرتبط باشد و ارتباط کمی با نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی داشته باشد.

- نتایج پژوهش در حوزه تجاری‌سازی و ارتباط با صنعت نشان داد که اسناد بالادستی نظام آموزش عالی توجه بسیار محدودی به این موارد داشته‌اند. از این رو با توجه به اهمیت این معیارها در نظام‌های رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها و نیز کاربردی آن‌ها در حل مسائل مختلف صنایع، اقتصاد، سیاست‌گذاری و سایر عرصه‌های مهم کشور، ضروری است این موضوع در اسناد بالادستی و نیز کارکردهای دانشگاه‌ها بسیار مورد توجه قرار گیرد؛ به‌ویژه اینکه دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم در حال حرکت هستند که ویژگی اصلی آن‌ها توجه به صنعت و بازار کار و خلق ثروت است. دانشگاه‌ها می‌توانند در واحدهای ارتباط با صنعت و یا تجاری‌سازی این موضوع‌ها را در اولویت فعالیت‌های خود قرار دهند. بنابراین در نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و

مؤسسه‌های پژوهشی کشور ضروری است معیاری برای تجاری‌سازی و ارتباط با صنعت با ارزش مناسب با شاخص‌های مناسب در نظر گرفته شود تا این موضوع مهم که در مسیر توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در نسل‌های سوم و چهارم در این نظام مورد توجه قرار گیرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

- Accreditation. (2022). <https://www.vocabulary.com/dictionary/accreditation>
- Alidoust, S. (2006). Delphi Method: Basics, Design and Examples of Applications. *Management and Development Quarterly*, 8(31), 8-23. <https://scholar.google.com/scholar?cluster=11925709688490026897&hl=en&oi=scholar>
- Ejtihadi, M. D., R. (2007). Pathology of the Structure of the Higher Education System in Implementing the Five-Year Development Plans for Higher Education to Provide Appropriate Strategies. *Research in Curriculum Planning*, 21(15), 1-24. https://journal.irphe.ac.ir/article_703011.html?lang=en
- Erbab Shirani, B., & Khakbaz, H. (2011). The Role of Science and Technology in National Development Plans. *Growth Magazine*, 6(23), 34-38. <https://directresearchpublisher.org/drjsses/files/2016/12/Anaeto-et-al1.pdf>
- Fathollahi, A., Yamani, M., Farasatkah, M., & Ghasi Tabatabaei, M. (2015). Content analysis of higher education program's with a focus on structural and functional changes of academic autonomy. *Journal of Science and Technology Policy*, 8(1), 27-47. https://jstp.nrisp.ac.ir/article_13842_en.html?lang=en
- Khorsandi Taskuh, A., & Panahi, M. (2016). Critical Analysis of International University Ranking Systems: Policy Recommendations for Iranian Higher Education. *Journal of Higher Education*, 8(3), 136-111. https://eps.journals.umz.ac.ir/article_2837.html?lang=en
- Kitagawa, F. (2005). Entrepreneurial Universities and the Development of Regional Societies. *Higher Education Management and Policy*, 17(4). <https://doi.org/10.1787/hemp-v17-art19-en>
- Mahdi, R. (2015). The Position of International Higher Education in the Comprehensive Scientific Map of the Country. *Cultural Engineering*, 9(82), 119-132. http://semarakilmu.com.my/journals/index.php/applied_sciences_eng_tech/article/view/10331
- Nadari Roshanavand, A., Geraei Nejad, G., & Pour Rostami, N., & Monjemzadeh, S.S. (2019). Analysis and Evaluation of University Financial Development Policies Based on Higher Education's Top-Level Documents. *Majles and Strategy*, 98, 5-39. https://www.researchgate.net/publication/279672704_Analyzing_The_Link_between_Financial_Development_and_Foreign_Direct_Investment_among_D-8_Group_of_Countries
- Nation, U. (2019). *A framework for science, technology and innovation policy reviews: Harnessing innovation for sustainable development*. Retrieved (January 6, 2023) from <https://unctad.org/webflyer/framework-science-technology-and-innovation-policy-reviews>
- Norooz Zadeh, R., Shafizadeh, H., & Rouhani, S. (2013). Assessment and analysis of science and technology section of the Fifth economic development plan act in the light of large-scale instruments. <https://www.sid.ir/paper/89282/en>
- Taslimi, M. S. (2004). Description and Analysis of the Higher Education Sector During the First, Second, and Third Development Plans of the Islamic Republic of Iran. Tehran, Supreme Council of the Cultural Revolution, Committee for Cultural and Scientific Monitoring and Evaluation. https://tms.atu.ac.ir/article_13596_en.html
- Zare' Banadkouki, M. R., Vahdatzad, M.R., Olya, M. S., & Lotfi, M. M. (2017). Pathology of University Ranking Systems from the Perspective of Higher Education's Top-Level Documents. *Library and Information Science*, 20(1), 52-87. www.onlinelibrary.com
- Zolfigol, H. A. (2021). Proposed Program for the Ministry of Science, Research and Technology. <https://1425.gau.ac.ir/gallery/File/oxy35qod444677.pdf>